



حقوق بازرگانی

(رشته‌های علوم اجتماعی و حسابداری)

دکتر ارسلان ثابت سعیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب کتاب

هفت

پیشگفتار

کلیات

- ۱ بند اول - تعریف حقوق
- ۳ بند دوم - تقسیمات حقوق
- ۴ بند سوم - سازمان قضایی
- ۶ بند چهارم - منابع حقوق تجارت
- ۹ بند پنجم - تاریخ مختصر حقوق تجارت
- ۱۲ بند ششم - تاریخچه حقوق تجارت در ایران
- ۱۶

باب اول - تاجر و معاملات تجاری

- ۱۹ بخش اول - انواع معاملات تجاری
- ۲۳ فصل اول - معاملات تجاری ذاتی
- ۲۴ فصل دوم - معاملات تجاری تبعی
- ۴۳ بخش دوم - تکالیف و وظایف تاجر
- ۴۹ فصل اول - دفاتر تجاری
- ۴۹ فصل دوم - دفتر ثبت تجاری
- ۶۳ بخش سوم - حقوق مالی تجاری
- ۶۷ فصل اول - حق سرقتی و حق کسب پیشه
- ۶۸ فصل دوم - اسم تجاری
- ۷۱ فصل سوم - علائم تجاری و صنعتی
- ۷۵ فصل چهارم - اختراع
- ۸۴

باب دوم - شرکتهای تجاری

- ۸۹ بخش اول - کلیات
- ۹۰ فصل اول - تعاریف
- ۹۴ فصل دوم - شخصیت حقوقی
- ۱۰۰ بخش دوم - انواع مختلف شرکت های تجاری
- ۱۰۲ فصل اول - شرکت های سهامی

۱۶۰	فصل دوم - شرکت با مسئولیت محدود
۱۶۵	فصل سوم - شرکت تضامنی
۱۷۶	فصل چهارم - شرکت نسبی
۱۷۷	فصل پنجم - شرکتهای مختلط
۱۸۶	فصل ششم - شرکتهای تعاونی
۱۸۹	فصل هفتم - مقررات مختلفه
۱۹۵	باب سوم - اسناد تجاری
۱۹۷	بخش اول - برات
۱۹۸	فصل اول - شرایط برات و آثار آن
۲۰۴	فصل دوم - سایر مسائل مربوط به برات
۲۱۵	فصل سوم - حقوق و وظایف دارنده برات
۲۱۹	فصل چهارم - برات رجوعی
۲۲۲	بخش دوم - سفته
۲۲۳	فصل اول - اصول حاکم بر سفته
۲۲۴	فصل دوم - مشترکات سفته و برات
۲۲۵	بخش سوم - چک
۲۲۵	فصل اول - جنبه های حقوقی چک
۲۲۸	فصل دوم - جنبه های کیفری چک
۲۳۲	بخش چهارم - اسناد در وجه حامل
۲۳۲	فصل اول - فقدان سند در وجه حامل
۲۳۴	فصل دوم - احکام جنبی
۲۳۵	باب چهارم - قراردادهای تجاری
۲۳۷	بخش اول - دلالتی
۲۳۷	فصل اول - تعریف
۲۳۷	فصل دوم - وظایف و حقوق دلال
۲۴۰	بخش دوم - حق العمل کاری (کمسیون)
۲۴۰	فصل اول - تعریف
۲۴۰	فصل دوم - مقررات حاکم بر حق العمل کار
۲۴۴	بخش سوم - قرارداد حمل و نقل
۲۴۴	فصل اول - تعریف
۲۴۵	فصل دوم - وظایف ارسال کننده
۲۴۶	فصل سوم - وظایف متصدی حمل و نقل
۲۴۶	فصل چهارم - مسئولیت متصدی حمل و نقل
۲۴۹	باب پنجم - قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری
۲۵۱	بخش اول - قائم مقام تجاری
۲۵۱	فصل اول - تعریف
۲۵۲	فصل دوم - حدود اختیارات و اعتبار اقدامات قائم مقام تجاری
۲۵۵	باب ششم - ضمانت
۲۵۷	بخش اول - ضمانت
۲۵۷	فصل اول - تعریف
۲۵۹	فصل دوم - شرایط و آثار ضمانت تضامنی

۲۵۹	فصل سوم - حقوق ضامن
۲۶۱	باب هفتم - ورشکستگی
۲۶۳	بخش اول - کلیات
۲۶۳	فصل اول - سوابق تاریخی
۲۶۴	فصل دوم - تعریف
۲۶۵	بخش دوم - مقررات حاکم بر ورشکستگی
۲۶۵	فصل اول - طرح دعوی ورشکستگی
۲۶۶	فصل دوم - صدور حکم ورشکستگی
۲۶۸	فصل سوم - تصفیه امور ورشکستگی
۲۷۳	فصل چهارم - انواع ورشکستگی
۲۷۴	فصل پنجم - قرارداد ارفاقی
۲۷۶	منابع و مأخذ

پیشگفتار

مطالعه و فراگیری «حقوق تجارت» مورد نظر گروه‌های مختلف دانشگاهی و غیردانشگاهی است. دانشجویان رشته حقوق، این درس را معمولاً طی ۷ واحد در چهار ترم می‌گذارند و طبیعتاً، به‌عنوان قضات، وکلا و مشاورین حقوقی آینده باید با دید تحلیلی آن را مورد مذاقه قرار دهند.

دانشجویان بعضی رشته‌های دیگر دانشگاهی، از جمله رشته‌های حسابداری، مدیریت، بانکداری و غیره، که بعضی از دروس حقوقی را صرفاً به‌علت ارتباط خاصی که این دروس با مشاغل یا رشته تحصیلی آن‌ها دارد می‌آموزند، نیز باید حقوق تجارت را بگذارند. اما، برخلاف دانشجویان حقوق، این درس برای آنان جنبه اجتهادی ندارد و صرفاً به‌منظور اطلاع از اصول کلی آن و آشنایی با قوانین و مقررات تجارتي؛ در حدودی که نیاز حرفه‌ای آنان را تأمین کند؛ مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بعضی از صاحبان مشاغل آزاد، تجار و کسبه نیز، به‌منظور اطلاع از حقوق و تکالیف قانونی خود در رابطه با کسب و تجارتشان میل دارند از اصول کلی حقوق تجارت و بعضی مقررات آن، که مربوط به امور تجاری آنان است، اطلاع حاصل کنند.

همان‌طور که برای دانشجویان دانشکده حقوق به اقتضای رشته تحصیلی و نیازهای حرفه‌ای آتی آنان باید کتابی تهیه شود که جامع تمام اصول، ضوابط، تئوری‌ها، سوابق تاریخی، مبانی عرفی و قانونی حقوق تجارت باشد بلکه هر مبحث باید به‌طور عمیق و از جمیع جهات مورد بحث قرار گرفته و نتیجه‌گیری به‌عمل آید، با وجود این برای سایر رشته‌های مورد نظر باید کتابی تهیه شود که ضمن اینکه جامع حداکثر

اطلاعات لازم از نظر افقی باشد حتی الامکان در آن از مباحث طولانی و عمیق حقوقی پرهیز شود. به عبارت دیگر برای این گروه‌ها باید بیشتر به ارائه حداکثر مقررات قانونی - از نظر کمی - با حداقل تحلیل و تجزیه، در حدود تفهیم مقررات مزبور، تهیه و مطالعه جنبه عمیق این رشته از حقوق به حقوق دانان حرفه‌ای واگذار گردد.

به همین دلیل و طبیعتاً، حقوق تجارتی که برای رشته‌هایی غیر از حقوق تهیه می‌شود باید از سادگی و روانی بیشتری برخوردار باشد تا این گونه دانشجویان و طالبان آموزش حقوق تجارت را مواجه با مشکل نکند.

با توجه به مراتب مزبور و به منظور رفع نیاز دانشجویان رشته‌های حسابداری، مدیریت و غیره در زمینه حقوق تجارت بود که اینجانب، که چندین سال است عهده‌دار تدریس آن برای همین رشته‌ها هستم، تصمیم گرفتم کتابی در زمینه حقوق تجارت برای رشته‌های مزبور تهیه و در اختیار آنان قرار دهم تا ضمن اطلاع از اصول کلی مقررات و قوانین تجاری، همه ساله گرفتار تهیه جزوات ناقص و پر درد سر نگردیده و علاوه بر اینکه در ابتدای شروع درس، کتاب مورد نیاز خود را در این رشته از حقوق در اختیار داشته باشند، بعد از خاتمه درس نیز آن را حفظ کرده و در صورت نیاز به آن مراجعه نمایند.

علاوه بر رعایت اختصار، چون این کتاب برای دانشجویان رشته‌های حسابداری و علوم اجتماعی پیام نور تهیه شده است، رعایت مقتضیات خاص تحصیلی این دانشگاه که شیوه آموزش از راه دور است، به شرحی که بعداً خواهد آمد، شده است.

کتاب حقوق بازرگانی که از سال ۱۳۷۴ در رشته‌های مختلف مدیریت، بازرگانی و غیره (غیر از رشته حقوق) تدریس شده است و در نگارش آن مقتضیات آموزش از راه دور از نظر روانی، قابل فهم بودن و احتراز از مباحث پیچیده حقوقی (ضمن حفظ محتوای علمی و حقوقی آن در حد نیاز دانشجویان رشته‌های مزبور) منظور شده است با توجه به وجود بعضی اغلاط تایپی و به خصوص تغییراتی که در بعضی قوانین به وجود آمده است و لذا لزوم تجدیدنظر در آن را ایجاب می‌کرد، مورد تجدیدنظر قرار گرفته و اصلاحات لازم در آن به عمل آمده است.

دکتر ارسلان ثابت سعیدی

کلیات

مشیت الهی و نظام طبیعت بر این قرار گرفته است که تمام مواد مورد نیاز بشر در همه جا به طور یکسان وجود نداشته باشد. بعضی مواد و محصولات در بعضی مناطق، با توجه به شرایط جغرافیایی، آب و هوا، منابع زیرزمینی، امکانات صنعتی و بهره‌برداری، بیشتر و در بعضی مناطق دیگر کمتر یافت می‌شود.

این مسأله، یعنی عدم وجود مواد مورد نیاز بشر در مناطق مختلف به طور مساوی، منحصر به محصولات کشاورزی نیست بلکه در صنایع نیز یک چنین وضعیتی وجود دارد. بعضی مصنوعات و فرآورده‌های صنعتی در یک منطقه یا یک کشور، به لحاظ امکان شرایط طبیعی، اجتماعی، علمی و تخصصی تولید می‌شود، در حالی که در منطقه یا کشور دیگری امکان تولید چنین محصولاتی وجود ندارد.

اگر مواد و محصولات صنعتی و کشاورزی در همه جای دنیا به طور مساوی وجود ندارد ولی نیاز بشر به مواد و محصولات مزبور تقریباً در تمام دنیا به طور مشابه وجود دارد و عدم استفاده از بعضی مواد و کالاها در بعضی مناطق دنیا به لحاظ عدم نیاز مردم آنجا نیست بلکه به علت عدم وجود یا عدم امکان تهیه آن می‌باشد.

در نتیجه عدم تساوی در تقسیم مواد از یک طرف و وجود نیاز مشابه همه مردم به کالاها و محصولاتی که همه جا به وفور وجود ندارد موجب شده است که سیستم مبادله کالا و مواد، به منظور استفاده و رفع نیاز همه مردم از همه چیز، برقرار شود.

آن‌ها که نفت دارند، اما محصولات کشاورزی و صنعتی ندارند، نفت خود را به مناطقی که نفت ندارد صادر می‌کنند و در عوض محصولات کشاورزی و صنعتی وارد می‌کنند.

می‌کنند.

مبادله کالاهای مورد نیاز اشخاص در شرایط و اوضاع و احوالی انجام می‌شود که برحسب مورد زمان و مکان مستلزم این است که تحت نظم و قواعد و مقررات خاصی درآید تا ضمن تسهیل روابط مربوط به مبادله کالاها، از تضییع حقوق افراد و تجاوز به آن جلوگیری به عمل آید.

از همان اوایل ایجاد سیستم مبادله کالا بین افراد بشر، یک سلسله اصولی که تا حدودی حقوق طرفین را تضمین می‌کرد به صورت عرف و عادت^۱ بر این گونه روابط حاکم بود ولی به تدریج، با توسعه روابط مربوط به مبادلات کالا به صورت تجارت و حمل و نقل آن در سطح وسیع و خارج از مرز کشورهای مختلف، لزوم برقراری ضوابط و مقررات مدوّن و منظمی که برای همه جنبه الزام‌آور داشته باشد و روابط تجارتي را از نظر حقوقی تنظیم و تحت نظام واحدی درآورد احساس شد و به تدریج منجر به تدوین و تصویب قوانین مختلف در زمینه روابط تجاری گردید.

عرف و عادت در کنار قوانین، همراه با تفسیر و تکمیل قوانین به مدد رویه قضایی در رابطه با مسائل تجاری، حقوق تجارت را به وجود آورده است.

بنابراین می‌توانیم بگوییم:

«حقوق تجارت عبارت است از مجموعه مقررات حاکم بر تجار و روابط

تجاری»

ما در مقدمه حقوق تجارت، به دلیل ضرورت امر، علاوه بر تعریف حقوق

تجارت، به بعضی کلیات حقوقی به شرح زیر می‌پردازیم:

بند اول: تعریف حقوق

بند دوم: تقسیمات حقوق

بند سوم: سازمان قضایی

بند چهارم: منابع حقوق تجارت

بند پنجم: تاریخ مختصر حقوق تجارت

بند ششم: تاریخچه حقوق تجارت در ایران

بند اول - تعریف حقوق

حقوق دارای معانی مختلفی به شرح زیر است:

الف) حقوق جمع حق است و حق عبارت است از امتیازی که در جامعه برحسب قانون، قرارداد یا عرف و عادت برای شخص به وجود می آید و دیگران موظف به احترام آن هستند.^۱

کسانی که دوره کارشناسی را با موفقیت طی کنند، طبق قانون، استحقاق دریافت دانشنامه لیسانس را خواهند یافت.

موجر و مستأجر به ترتیب، طبق قرارداد اجاره، مستحق دریافت مال الاجاره و استفاده از منافع مورد اجاره می باشند.

همه اشخاص، بر مبنای عرف و عادت می توانند از پارک ها، خیابان ها و به طور کلی اماکن عمومی استفاده های عرفی بکنند، مگر آن که قانون منع کرده باشد. استفاده از حقوق برای هر شخص مشروط بر این است که خلاف قانون، مزاحم حقوق دیگران و منافی حقوق عمومی نباشد.

ب) معنی دیگر حقوق عبارت است از علم شناخت قوانین. قوانینی که به وسیله قانون گذار وضع می شود، برای همه مردم، به سادگی قابل فهم و درک نیست. قوانین بعضاً نسخ می گردند و قوانین دیگری جانشین آنها می شود. بعضی از قوانین با بعضی دیگر در تعارض هستند. بعضی از قوانین مجمل، مبهم، ناقص و نامفهوم هستند به نحوی که شناخت درست و اجرای صحیح آنها، مستلزم ساخت و تحصیل دانش حقوق است.

بررسی، تجزیه و تحلیل و شناخت قوانین دانشی است که به آن «حقوق» گفته می شود. دانشکده حقوق به همین معنی به کار برده می شود، زیرا دانشکده حقوق محلی است که در آنجا به نقد و بررسی و شناخت قوانین می پردازند.^۲

ج) گاهی حقوق در معنی «سیستم حقوقی» به کار رفته است مانند این که گفته

۱. دکتر محمدعلی موحد، مختصر حقوق مدنی، صفحه ۵.

۲. بعضی از دانشجویان اصطلاح «قانون» و «حقوق» را به جای یکدیگر به کار می برند. منظور از قانون به معنای اعم آن، یعنی مجموعه موادی که به وسیله مقامات صلاحیت دار وضع شده است؛ بدون هیچ گونه توضیح و تفسیر که معمولاً در مجموعه قوانین چاپ و منتشر می شود. منظور از حقوق یعنی مجموعه مطالعات و ملاحظات و شرح و تفسیر قوانین

می‌شود، طبق «حقوق اسلام» ارث پسر دو برابر دختر است، ولی طبق «حقوق فرانسه» ارث پسر مساوی با ارث دختر است. در اینجا منظور از حقوق اسلام و فرانسه سیستم حقوقی حاکم بر این دو کشور است.

د) حقوق دارای معنی عرفی دیگری نیز هست که در قلمرو حقوق اداری است. حقوق در این معنی، شامل مزد یا حق‌الزحمه است که کارمند یا کارگر معمولاً به‌ازای یک ماه کار دریافت می‌کند.

بند دوم- تقسیمات حقوق

حقوق، مانند سایر رشته‌های علوم انسانی، برحسب اینکه کدام‌یک از روابط حقوقی اشخاص (حقیقی و حقوقی) را تنظیم کند، به رشته‌های مختلف تقسیم شده است که به شرح زیر است:

الف) حقوق خارجی. حقوق خارجی عبارت است از کلیه قوانین، مقررات، قراردادهای و عرف و عاداتی که حاکم بر روابط خارجی دولت‌ها و اشخاص است. اگر موضوع این مقررات دولت‌ها باشند در این صورت «حقوق بین‌الملل عمومی» نام دارد، و اگر موضوع آن اتباع کشورهای مختلف باشند «حقوق بین‌المللی خصوصی» نام دارد. بنابراین جنگ بین دو کشور که ناشی از اختلاف دو دولت است مشمول حقوق بین‌الملل عمومی است، ولی ازدواج یک تبعه ایرانی با یک تبعه فرانسوی، که مربوط به روابط خصوصی اتباع دو کشور است، مشمول حقوق بین‌الملل خصوصی است.

ب) حقوق داخلی. حقوق داخلی به کلیه قوانین، مقررات، ضوابط و عرف و عاداتی گفته می‌شود که حاکم بر قلمرو یک کشور معین و مشخص است.

حقوق داخلی. شامل حقوق عمومی و حقوق خصوصی است.

۱. **حقوق عمومی:** منظور از حقوق عمومی آن دسته از رشته‌های حقوقی است که پای منافع عمومی در میان است و دولت در اجرای آن به نحوی از انحاء سهیم است مثل حقوق اساسی، حقوق کیفری، حقوق اداری و آیین دادرسی کیفری.

حقوق اساسی: درباره سیستم حکومتی، ارکان مملکتی و قوای سه‌گانه

کشور، اختیارات دولت و حقوق ملت بحث می‌کند و کلیه این مباحث در ارتباط با مسائل و مصالح دولت است.^۱

دو) حقوق کیفری: از جرم، مجازات و مجرم بحث می‌کند و همیشه دولت در تعیین و اجرای مجازات و تعقیب مجرم دخالت دارد.^۲

سه) حقوق اداری: رشته‌ای از حقوق عمومی است که به مطالعه سازمان، وظایف و فعالیت دستگاه اداری و ارتباط آن با کارمندان می‌پردازد.^۳

چهار) آیین دادرسی کیفری: مجموع قواعد و مقرراتی است که برای کشف و تعقیب جرم و ترتیب دادرسی و اجرای احکام جزایی وضع شده است.^۴

۲. حقوق خصوصی: در حقیقت روابط خصوصی افراد را تحت نظم و قانون درمی‌آورد. حقوق خصوصی عمدتاً شامل رشته‌های حقوق مدنی و حقوق بازرگانی می‌شود.

درحالی‌که **حقوق مدنی** روابط اجتماعی اشخاص از قبیل تولد، نام، اقامت، ارث، وصیت و قراردادهای منعقد بین اشخاص را تنظیم می‌کند، **حقوق بازرگانی** حاکم بر تجار و روابط تجاری آنان است.

بعضی از رشته‌های دیگر حقوق واجد هر دو خصیصه حقوق عمومی و خصوصی هستند یعنی هم واجد شرایط حقوق عمومی و هم واجد شرایط خصوصی هستند: مثل حقوق کار و آیین دادرسی مدنی. حقوق کار روابط کارگر و کارفرما را تنظیم می‌کند و اصولاً تابع اراده طرفین، یعنی قراردادهای خصوصی است. بنابراین، به این اعتبار جزو حقوق خصوصی است، ولی از نظر حفظ مصالح جامعه؛ حقوق کارگران، زنان و اطفال، دخالت دولت در تعیین مقررات عمومی کار مثل تعیین حداقل دستمزد، کار زنان، کار کودکان و غیره بیشتر می‌شود و جنبه الزام‌آور دارد، درنتیجه به این اعتبار این رشته از حقوق به‌تدریج به حقوق عمومی نزدیک‌تر می‌شود.

آیین دادرسی مدنی، در حقیقت تشریفات و مقررات مربوط به رسیدگی در

۱. دکتر ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، صفحات ۴۳ به بعد.

۲. دکتر رضا نوربهاء، حقوق جزای عمومی، صفحه ۳۵.

۳. دکتر منوچهر طباطبایی، حقوق اداری، صفحه ۳.

۴. دکتر محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، صفحه ۲۳.

دادگاه‌های حقوقی است^۱ که قسمتی از آن در اختیار اصحاب دعوی است و دولت دخالتی در آن ندارد^۲ ولی قسمت دیگر از اختیار اصحاب دعوی خارج است.^۳ به همین دلیل این رشته از حقوق نیز واجد خصوصیت حقوق عمومی و خصوصی می‌باشد. هرچند خصوصیت حقوق عمومی آن بیشتر است.

بند سوم - سازمان قضایی

اکثراً در رابطه با دعاوی و شکایات و به‌طور کلی آنچه که مربوط به حل و فصل مسائل حقوقی است از بعضی عناوین نام برده می‌شود که مردم با معنی و حدود اختیارات آن‌ها آشنایی کامل ندارند. اگر این عدم آشنایی برای مردم عادی قابل اغماض است، برای کسانی که در حد کارشناسی تحصیلاتی دارند به‌خصوص اگر در زمره دروس آن‌ها یک یا چند درس حقوقی نیز پیش‌بینی شده باشد، بیگانگی و عدم اطلاع از معنی دقیق سازمان قضایی کشور پذیرفتنی نیست؛ به‌همین دلیل در این مقدمه به توضیح مختصر سازمان قضایی می‌پردازیم.

قوه قضاییه یکی از ارکان سه‌گانه حکومتی (یعنی قوه مقننه، مجریه و قضاییه) است. در رأس قوه قضاییه رئیس قوه قضاییه قرار دارد.

قوه قضاییه دارای یک رسالت و سه وظیفه اصلی و اساسی است:

به‌طورکلی رسالت قوه قضاییه^۴ عبارت است از رسیدگی به شکایات و تظلمات و صدور احکام عادلانه به‌منظور حفظ حقوق مردم و بالمآل تأمین و تعمیم عدالت. وظایف قوه قضاییه عبارت است از:

۱. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی
۲. تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران.
۳. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری طبق قانون.

۱. نعمت احمدی، آیین دادرسی مدنی، صفحه ۱۹.

۲. مثل تقدیم دادخواست، اعتراض، پژوهش، استفاده از دلایل مختلف.

۳. مثل تعداد قضات دادگاه، صلاحیت دادگاه‌ها و غیره.

۴. طبق اصل یکصد و پنجاه و هشتم

۴. سایر وظایفی که طبق قانون به عهده این قوه گذارده شده است. تشکیلات قوه قضاییه به شرح زیر است:

الف) دادگاه‌های عمومی. دادگاه‌های عمومی دادگاه‌هایی هستند که صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی و شکایات را دارند مگر آنچه که طبق قانون از صلاحیت آن‌ها خارج شده است. البته اگر حوزه قضایی دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد، آن شعب به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند. دادگاه‌های عمومی حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاه‌های عمومی جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی می‌کنند. رئیس قوه قضائیه می‌تواند با رعایت مصالح و مقتضیات شعبی از دادگاه‌های حقوقی و جزایی را برای رسیدگی به امور خاص مثل دعاوی خانوادگی و جرائم اطفال اختصاص دهد.

ب) دادگاه‌های اختصاصی. دادگاه‌های اختصاصی دادگاه‌هایی هستند که صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند مگر آنچه را که صراحتاً قانون در صلاحیت آن‌ها قرار داده است مثل دادگاه‌های انقلاب، دادگاه‌های نظامی (در امور کیفری) این دادگاه‌ها به موجب قوانین خاصی به وجود آمده‌اند و صلاحیت آن‌ها نیز در قوانین مزبور پیش‌بینی شده است.

ج) دادگاه‌های عالی. دادگاه‌های عالی نه جزو دادگاه‌های عمومی هستند و نه جزو دادگاه‌های اختصاصی، اگرچه در بعضی موارد صلاحیت رسیدگی به دعاوی خاصی را هم داشته باشند. این دادگاه‌ها عبارت‌اند از دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری.

۱. دیوان عالی. دیوان عالی کشور عهده‌دار دو وظیفه اصلی است: تطبیق احکام صادره از دادگاه‌ها با قوانین، که اصطلاحاً به آن رسیدگی «شکلی» یا «صوری» می‌گویند، درحالی‌که محاکم از نظر «ماهوی» یعنی احراز ماهیت و واقعیت یک امری به آن رسیدگی می‌کنند. مثلاً محاکم عمومی در مورد اتهام سرقت بررسی می‌کنند آیا اصولاً سرقتی انجام شده و اگر شده چه نوع سرقتی است و برحسب نوع سرقت برای آن مجازات مقرر قانونی را تعیین می‌کنند. دیوان کشور، به عنوان فرجام‌خواهی وارد در

ماهیت امر، یعنی وقوع یا عدم وقوع سرقت نمی‌شود، زیرا این امر به عهده قاضی ماهوی است، ولی کنترل می‌کند آیا حکمی که صادر شده همان حکمی است که طبق مقررات قانونی برای این نوع سرقت خاص تعیین شده یا خیر؟ در صورت انطباق حکم با قانون آن را تأیید می‌کند و در غیراین صورت حکم را شکسته و آن را برای رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض دادگاه بدوی ارجاع می‌دهد.

باید یادآوری کرد که در حال حاضر، دیوان عالی کشور در موارد خاصی رسیدگی ماهوی نیز می‌کند.

وظیفه اصلی دیگر دیوان عالی کشور ایجاد وحدت رویه قضایی است. با توجه به این که استنباط قضات از قوانین یکسان نیست؛ بنابراین احتمال صدور آرا و نظرات مغایر در دعاوی مشابه از دادگاه‌های مختلف و نیز از شعب مختلف دیوان عالی کشور می‌رود که در این صورت ممکن است، در اثر اختلاف رأی به حقوق اصحاب دعوی لطمه وارد شود.

برای جلوگیری از تشّت آرا و صدور احکام متناقض، در این گونه موارد هیئت عمومی دیوان کشور که متشکل از کلیه رؤسا و مستشاران شعب دیوان است موضوع را بررسی و یکی از آرای صادره را تأیید و دیگری را رد می‌کند. رأی مورد تأیید، در موارد مشابه برای سایر محاکم لازم‌الاتباع بوده و در حکم قانون است.

۲. دیوان عدالت اداری. یکی از ابتکارات قانون اساسی بعد از انقلاب، تأسیس دیوان عدالت اداری است که به دعاوی علیه دولت یا مأمورین دولتی در رابطه با وظایف اداری آن‌ها رسیدگی می‌کند.

تأسیس دیوان عدالت اداری برای پرهیز از رسیدگی دعاوی دولت و مردم به وسیله خود دولت است زیرا در این صورت دولت خود هم طرف دعوی است و هم قاضی و علاوه بر این برای احتراز از اینکه دعاوی دولت و مردم به محاکم عمومی سپرده شود زیرا محاکم عمومی در این صورت با دولت مانند یک شهروند معمولی رفتار کرده و ممکن است در بعضی دعاوی مصالح عالیّه دولت را ملحوظ ندارند.^۱

(د) دادسراها: در هر شهرستان یک دادسرا نیز در معیت دادگاه‌های آن تشکیل می‌شود.

۱. برای اطلاع دقیق از تقسیمات حقوق مراجعه کنید به: دکتر ناصر کاتوزیان مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران در صفحات ۷۵ الی ۱۰۵.

این دادسرا که «دادسرای عمومی و انقلاب» نام دارد عهده‌دار کشف جرم، تعقیب متهمین به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق‌اللهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و سایر مواردی که به موجب قوانین تعیین شده است، می‌باشد.

بند چهارم- منابع حقوق تجارت

منظور از منابع حقوق چیست؟ برای تحقیق یا قضاوت در مورد یک مسأله حقوقی و احراز واقعیت، پژوهشگر یا قاضی نمی‌تواند منحصرأ به متن قانون مربوطه مراجعه کند، او ملاحظات دیگری را هم در نظر می‌آورد که اصطلاحاً به مجموع این ملاحظات منابع حقوق می‌گویند.

منابع حقوق، در هر رشته حقوقی برحسب مورد مختلف است. در حقوق تجارت منابع حقوق به شرح زیر است:

الف) متون قانونی

ب) رویه قضایی

ج) عرف و عادات تجاری

د) نظریه علمای حقوق

الف) متون قانونی. برقراری نظم در جامعه مستلزم رعایت حقوق و انجام تکالیفی است که باید از قبل معین و مشخص شده باشد در غیر این صورت نمی‌توان از مردم انتظار داشت که رعایت حقوق دیگران را کرده و تکالیف خود را انجام دهند. بهترین وسیله برای تعیین حقوق و تکالیف مردم یک کشور وضع قانون و مقررات به‌وسیله مقامات قانون‌گذاری است.

متون قانونی در مجموعه‌های قوانین چاپ و در اختیار همگان قرار داده می‌شود. قوانین شامل اتباع آن کشور و همچنین همه ساکنین کشور اعم از اتباع داخله و خارجه می‌گردد.^۱ استثنائاً اتباع خارجه از نظر احوال شخصیه (اهلیت، ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) تابع مقررات کشور متبوع خود هستند،^۲ و بعضی از مقررات کیفری (اقدام علیه امنیت یک کشور) حتی اگر به‌وسیله اتباع خارجی در خارج از کشور انجام

۱. ماده ۵ قانون مدنی

۲. مواد ۶ و ۷ قانون مدنی

گردد، قابل تعقیب و مجازات است.^۱

قانون به معنی اعم دارای مراتب و درجات مختلفی است که به ترتیب اهمیت به

شرح زیر است:

۱. قانون اساسی

۲. قوانین عادی (مصوب قوه قانونگذاری)

۳. آیین نامه ها

۴. بخشنامه ها

۵. دستورالعمل ها

ب) رویه قضایی. به طوری که قبلاً، در وظایف مربوط به دیوان عالی کشور، یادآوری شد، قضات ممکن است از متن یک قانون استنباطات مختلف داشته باشند و در نتیجه برحسب استنباط خود در موارد مشابه آرای مختلف صادر کنند. در این صورت اگر هیئت عمومی دیوان عالی کشور برای ایجاد وحدت رویه رأیی صادر کند، رأی صادره در حکم قانون بوده و برای کلیه محاکم لازم الاجرا است. رویه قضایی در این مورد به معنای اخص کلمه است.

عکس این مورد هم صادق است، یعنی ممکن است اکثر قضات در مورد به خصوصی دارای استنباط واحدی باشند به نحوی که در مورد مزبور دادگاه ها نوعاً و عادتاً آرای مشابهی صادر کنند. در یک چنین موردی اصطلاحاً گفته می شود «رویه قضایی» به وجود آمده است. یعنی در اکثر موارد، و حتی ممکن است در تمام موارد، هرگاه دادگاه ها با دعوای به خصوصی مواجه گردند رأی واحدی صادر کنند. قضات در موقع صدور حکم نوعاً به رویه قضایی نیز توجه می کنند. مثلاً طبق مقررات مربوط به مالک و مستاجر پس از صدور حکم تخلیه ممکن است دادگاه به مستاجر مهلتی برای تخلیه بدهد که اصطلاحاً به آن «عسر و حرج» می گویند. ولی قانون مدت این مهلت را تعیین نکرده است. اگر دادگاه ها نوعاً برای عسر و حرج دو ماه به مستاجر برای تخلیه مهلت دهند می گویند در این مورد رویه قضایی به وجود آمده است.

ج) عرف و عادت. عرف و عادت به طور کلی عبارت است از مجموع عادات و رسومی که نفیاً یا اثباتاً در یک جامعه، در یک گروه یا در یک منطقه در مورد خاصی

۱. ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

معمول است و برخلاف آن عمل کردن به نحوی سرزنش یا عکس‌العمل دیگران را برمی‌انگیزد. مثلاً کشیدن سیگار در اماکن عمومی برخلاف عرف است و موجب اعتراض و عدم رضایت دیگران می‌گردد. خوابیدن در مساجد و زیارتگاه‌ها برخلاف عرف و عادت است. عیدی دادن بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها در ایام نوروز از جمله آداب و رسوم معمول است.

در روابط حقوقی نیز، مانند روابط اجتماعی، بین مردم یک سلسله عرف و عاداتی وجود دارد که ممکن است دارای ضمانت اجرای قانونی باشد. عرف و عادت از نظر حقوقی در صورتی الزام‌آور است که یا ضمانت اجرایی آن ضمن قوانین پیش‌بینی شده و یا اینکه وجود آن در حکم قانون باشد.^۱

به‌عنوان مثال عرفاً محل تسلیم کالای مورد معامله در محل قرارداد است مگر این‌که عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگر باشد یا بین طرفین قرارداد روش دیگری مقرر شده باشد. خرید و فروش کالاها عرفاً نقد است مگر اینکه ترتیب دیگری به‌وسیله فروشنده و مشتری مقرر شده باشد. یا عرف ترتیب دیگری مقرر بدارد.^۲

در فروش چای اینکه با جعبه یا بدون جعبه است امری است تابع عرف محل. بنابراین اگر در روابط حقوقی بین اشخاص در مورد خاصی اختلافی به‌وجود بیاید و قانون یا رویه قضایی در این مورد وجود نداشته باشد عرف و عادت می‌تواند جانشین قانون شود و قاضی می‌تواند به آن استناد کند.^۳

د) عقیده علمای حقوق. حقوق‌دانان از متون قانونی و مسائل حقوق برداشت‌ها، تفسیرها و تحلیل‌های به‌خصوصی دارند که در کتب، مقالات و سخنرانی‌های خود منعکس می‌کنند.

قضات در موقع صدور حکم گاهی، برای فهم و درک بهتر قانون، به این نظرات مراجعه کرده و از آن بهره می‌گیرند. و به این ترتیب نظرات علمای حقوق، غیرمستقیم و بدون اینکه قاضی در حکم خود به آن اشاره کند، در نحوه صدور احکام ممکن است

۱. ماده ۳۷۵ قانون مدنی

۲. دکتر محمد جعفری لنگرودی، مقدمه علم حقوق، صفحه ۱۳۶ به بعد.

۳. ماده ۳۸۱ و ۳۵۶ قانون مدنی.

مؤثر باشد و بنابراین یکی از منابع حقوق به‌شمار می‌رود.^۱

بند پنجم - تاریخ مختصر حقوق تجارت

حقوق تجارت، مانند سایر رشته‌های حقوق برحسب زمان و مکان، به‌تدریج دوره تحول و تکامل خود را طی قرون متمادی در مناطق مختلف جهان طی کرده است. با توجه به وجود عوامل محرک داد و ستد و به‌طور کلی روابط تجاری، تجارت در نقطه به‌خصوصی از جهان رونق می‌گرفته و برحسب نیاز و نوع خاص روابط تجاری اصول و ضوابطی ابتدا به‌صورت قراردادهای خصوصی، و سپس عرف و عادت و بالاخره قوانین مصوب مقامات خاصی که حق قانون‌گذاری به آن‌ها تعویض می‌گردیده، بر روابط تجاری حاکم می‌گردید. علمای حقوق تجارت نوعاً دوران تکامل این رشته از حقوق را به سه دوره تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی از نظر نوع مقررات حاکم بر روابط تجاری است.

الف) دوره قدیم

ب) دوره قرون وسطی

ج) دوره معاصر

الف) دوره قدیم. منظور از دوره قدیم، از نظر قدمت تاریخی حیات بشر نیست بلکه منظور قدیم‌ترین دورانی است که روابط تجاری به حد قابل توجه و ملاحظه‌ای در یک یا چند نقطه جهان برای اولین بار در آن حد شایع شده و گسترش یافته است که ناگزیر، مجموعه تجاری، ناچار از قبول یک سلسله ضوابط و اصولی شده است که همین ضوابط و اصول بعدها به‌صورت زیربنای مقررات تجاری درآمده است. عوامل رونق تجاری در شکل گرفتن تجارت در نقطه معین بسیار مؤثر بوده است.

اگر به دو عامل اساسی رونق تجارت توجه شود مسأله ازدیاد و مرکزیت تجارت در یک نقطه توجیه خواهد شد.

از یک طرف لزوم مبادله کالای اضافی از یک نقطه جهان به یک نقطه دیگر که

به علت کمبود، خریداران دست و دلبازی دارد. از طرف دیگر استفاده از وسیله حمل و نقل سهل و ممکن که بتواند کالا را به میزان فراوان از یک نقطه به نقطه دیگر حمل کند.

در دوران قدیم، کشتی‌ها کالاها را به مقدار زیاد از فواصل دور به سایر نقاط جهان به سادگی حمل می‌کردند. بدین ترتیب شهرهای ساحلی به صورت بندرهای تجاری درمی‌آیند.

کشورهای ساحلی دریای مدیترانه مثل یونان، فینیقیه، کارتاژ، ونیز و سیدون به همین دلایل، و نیز به علت وجود مردمانی زیرک و سوداگر، اولین مراکز پررونق تجاری جهان را تشکیل می‌دهند.

فینیقی‌ها، ظاهراً به علت اینکه قسمت اعظم تجارت بحری را در این نقطه از جهان در اختیار خود داشته‌اند اولین کسانی نیز هستند که بعضی اصول حقوقی حاکم بر تجارت بحری از جمله اصل «جبران خسارت کالای اتلافی به منظور تجارت»^۱ را پی‌ریزی می‌کنند که اصطلاحاً به آن (خسارت) مشترک می‌گویند.

یونانی‌ها، اگرچه در روابط تجاری خود بیشتر از حقوق مدنی استفاده می‌کردند ولی بعضی اصول تجاری نیز حاکم بر روابط تجاری آن‌ها بود. از جمله اصول تجاری معمول در یونان یک نوع تأسیس حقوقی به نام «وام مشروط» است که شبیه به تأسیس حقوقی «عقد مضاربه» در مقررات تجاری اسلامی است.^۲

به موجب این رسم، بعضی از سرمایه‌داران مبلغی سرمایه به صورت وام در اختیار تاجر قرار می‌دادند تا با آن به تجارت بپردازند. اگر تاجر در تجارت خود موفق می‌شد، در این صورت سود کلانی عاید صاحب سرمایه می‌گشت ولی اگر تاجر در اثر حادثه‌ای سرمایه خود را از دست می‌داد مسئولیتی برای پرداخت آن نداشت.

معاملات به نام خود ولی به حساب دیگری، که امروز در قانون تجارت ما تحت عنوان «حق العمل کاری» شناخته می‌شود در روم قدیم معمول بوده است. علت به وجود آمدن این تأسیس حقوقی در روم قدیم این بوده است که بعضی از شخصیت‌های اجتماعی از اشتغال به امور تجاری، به علت اینکه آن‌را در شأن خود نمی‌دانستند، امتناع

۱. به موجب این اصل اگر کشتی به دلایل مختلف در معرض خطر قرار گیرد و ناچار مقداری از کالاها برای سبک کردن کشتی به دریا ریخته شود، خسارت کالای اتلافی باید از محل کالای موجود در کشتی جبران گردد.

۲. حقوق تجارت، دکتر ربیعا اسکینی، کلیات - صفحات ۵ و بعد.